

## اخبار

**معمای افت لیورپول**

ترجمه: نوید صراف

نیز نیست از علاقمندان افراطی به فوتبال باشد تا متوجه شوید تفاوت فاحشی بین لیورپول ورژن فصل پیش با نسخه فصل جاری وجود دارد اما آیا این افت غیرقابل انکار فقط به خاطر مصدومیت‌هاست یا به دلیل فشردگی تقویم بازی‌های این فصل لیگ برتر؟ یک راه حل ساده وجود دارد: می‌توانیم خودمان را این گونه قانع کنیم که بگوییم با توجه به نحوه بازی سرخ‌پوشان مرسی،ساید و با در نظر گرفتن این نکته که لیورپول بخشی زیادی از فصل را بدون سه گزینه اصلی خود در دفاع میانی سپری کرده، پس اگر شرایط عادی شود، آنها دوباره بلند خواهند شد. اما واقعیت امر شاید عمیق‌تر از این حرف‌ها باشد؛ عمیق همچون شکست سنگین ۴ بر یک مقابل منچسترستی در هفته گذشته! نتیجه‌ای که حالا این سوال را مطرح کرده که آیا اتفاقی به مراتب جدی‌تر در حال وقوع است؟ اولین پاسخ در خصوص دلایل وضعیت فعلی انفیلدی‌ها را «روی کین» به زبان آورد. از نظر کین، لیورپولی‌ها به خاطر مصدومیت‌های بدموقع ستاره‌های کلیدی‌شان در این فصل بسیار بدشانس بوده‌ان و همین امر باعث کاهش تمرکز آنها شده؛ «ویرجیل فان دایک»، «جورجو» و «جودل ماتپ» در این فصل فقط در ۲۲ مسابقه از ابتدا در ترکیب تیم به‌میدان رفته‌ان و این نشان می‌دهد که لیورپول تنها ۱۲ مسابقه را با دو دفاع میانی تخصصی آغاز کرده است؛ با توجه به این که «فابینیو» یا «جردن هندرسون» در این مواقع مجبور شده‌ان یک خط عقب‌تر به ایفای نقش بپردازند، خط هافبک لیورپول هم تضعیف محسوسی را تجربه کرده‌است. به بیانی ساده‌تر باید گفت در تیمی بهم‌پیوسته همانند لیورپول، دیگر در یک قسمت، همواره روی بخش‌های تیم به تأثیر گذار خواهد بود. از طرفی تقویم فشرده مسابقات، روی تیم‌هایی که سبک پرفشار و پیچیده پرسینگ را انجام می‌دهند، نسبت به تیم‌هایی با سبک بازی ایستا یا سبک‌هایی که نیاز کمتری به آمادگی جسمانی بالا دارند، به مراتب تأثیر بیشتری می‌گذارد. با این حال نباید دچار اشتباه شوید چرا که صحیح و تأثیر گذار بودن تمامی این دلایل، به این معنا نیست که عوامل عمیق‌تری در شکل‌گیری وضعیت فعلی لیورپول وجود نداشته باشد؛ نامیدی‌های اخیر «بورگن کلوپ» شاید نشان‌دهنده تیزهوشی او به خاطر آگاهی از این حقیقت باشد که شرایط لیورپول بیش از یک لغزش موقت و گذرا است! نشانه‌های بهم‌ریختگی کلپوو پس از تساوی یک بر یک مقابل بایرنون در ماه نوامبر بروز پیدا کرد و از آن موقع کشمکش‌هایی با «کریس وایلدر»، «ژوزه مورینیو» و «شان دایچ» هم پیش آمد؛ واکنش‌هایی که تماشای آنها از سوی مرد سابقاً خوش‌خنده، همگان را به شکی بزرگ فرو برد و پیامی روشن داشت؛ «بورگن کالافه شده است» برای درک دلیل این واکنش‌ها کافی‌ست بدانید که لیورپول از ۱۴ بازی اخیر لیگ برتری خود، فقط پنج بر کسب کرده! اتفاق تلخی که در این شرایط، گریبان لیورپول را گرفته؛ سه شکست خانگی پیاپی این تیم پس از ۶۸ بازی خانگی شکست‌ناپذیری بوده ۹ امتیاز از ۹ بازی اخیر در لیگ برتر! پنج مسابقه ناکامی در گلزنی! جالب این که پیش از این نیز نشانه‌هایی درباره وقوع چنین اتفاقاتی دیده می‌شد اما کسی توجه کافی به آنها نکرد! جایی که پس از برتری ۴ بر صفر مقابل لسترسیتی در «پاکسینگ‌دی»؛ لیورپول در سراسیمگی قرار گرفت! تعجب نکنید؛ بله، لیورپول در ۹ بازی بعدی به برد رسید اما آن‌ها در هیچکدام از آن ۹ مسابقه، همانند بازی‌های نخست فصل، شانور بازی نمی‌کردند. برخی معتقد بودند این تأثیر قهرمانی فصل گذشته بود و بازیکنان کلوپ را اشباع کرده است!

به یاد داشته باشید که باخت ۷ بر ۲ مقابل استون‌ویلا، پیش از مصدومیت فن‌دایک رخ داد اما باز هم وضعیت‌های درباره سختی سازماندهی پرسینگ در شرایط فعلی وجود داشت. ممکن است کین بگوید مصدومیت‌ها در شکل‌گیری این شرایط بیش‌ترین تأثیر را داشته اما لیورپول بیش از یک سال است که در بهترین فرم خود قرار ندارد! شاید ساده‌ترین پاسخ در خصوص علت افت لیورپول، «خستگی» باشد که بیشتر روحی است تا جسمی، به هر حال لیورپول تیمی‌ست که در سه سال اخیر در اوج قرار داشته و حضور در فینال لیگ قهرمانان اروپا، اولین بار پس از سی سال را در همین انگلیس برای آنها رقم زد؛ این سال را در همین مدت کوتاه تجربه کرده. هسته اصلی تیم از آن موقع تغییر نکرده و تعجب‌برانگیز نیست که اگر این بار نتوانند همان گذشته قدرتمند ظاهر شوند و در نهایت همان مشکلات سر خم کنند، اصلی که «بلا گوتمن» بر آن اصرار می‌ورزد و می‌گوید «سال سوم کشنده است!» اصلی که البته معمولاً درباره مربیان به کار می‌رود اما می‌تواند درباره بازیکنان هم درست باشد. «آنتروپی» کالوس تمام تیم‌های فوتبال است و شاید کالوس موقع جذب «تیاگو الکنտار» آن را تشخیص داده بود. انتقاداتی از تیاگو مبنی بر این موضوع وجود دارد که او سرعت بازی انفیلدی‌ها را کاهش می‌دهد اما نکته کلیدی در جذب او دقیقاً همین است؛ تیاگو آماده تا به لیورپول برای حفظ مالکیت و بردن بازی‌ها بدون نیاز به کمک مدافع با سرعت و شتاب بازی کند، یاری رساند. البته هماهنگی او با دیگر بازیکنان لیورپول کمی پیچیده شده و علت این موضوع هم این است که هافبک اسپانیایی در ترکیب ناقص سرخ‌های مرسی،ساید در خط میانی به ایفای نقش می‌پردازد و تنها یک بار نتوانسته بازی کنار هندرسون و فابینیو را از ابتدا تجربه کند؛ آن هم بازی شوم مقابل اورن تود که فن‌دایک به دام مصدومیتی سنگین و طولانی مدت افتادجذب «تاکومی مینامینو» تلاشی برای جوان‌تر کردن تیم و تزریق روح جوانی به ترکیب بود ولی این خرید به هر دلیلی جواب نداد. «دیگو ژوتا» هم که امید جدیدی برای لیورپول به حساب می‌آمد، از ابتدای ماه دسامبر مصدوم شده و تیم را تنها گذاشت.است.

بله، لیورپولی به خاطر مصدومیت‌ها کاملاً بدشانس بوده اما همین فاکتور را می‌توان خوش‌ایالی کلوپ نیز دانست؛ چرا که باعث شده مشکلات اساسی و پنهان لیورپول با ترکیبی که شاید دوران اوج خود را پشت سر گذاشته، آشکار و نمایان شود.

مهاجم ایرانی تیم فوتبال پورتو با بیان اینکه برای بازی با یوونتوس استرس داشته و گلزنی به این تیم به او الهام شده بود، گفت: در بازی برگشت با یووه در تورین پیراهن رونالدو را می‌گیرم. مهدی طارمی در دیدار پورتو مقابل یوونتوس ایتالیا در لیگ قهرمانان اروپا موفق شد یک گل به ثمر برساند؛ دیداری که در نهایت با نتیجه ۲ بر یک سه بود پورتو تمام شد. طارمی در تازه‌ترین اظهارنظر خود، اعلام کرد هنگام استراحت در روز بازی، خواب دیده است که برابر یوونتوس زود گل می‌زند. وی با بیان اینکه برای رویارویی با یوونتوس استرس هم داشته است، خاطره جالبی از درخواست بازیکنان پورتو برای گرفتن پیراهن رونالدو ستاره یوونتوس تعریف کرد.

**آرزو می‌کنم فوتبالبست‌های ایران در لیگ قهرمانان اروپا بازی کنند**

طارمی درباره احساسش از حضور در لیگ قهرمانان اروپا و بازی با یوونتوس گفت: همین که توانستم برای دفاعی لیخند روی مردم بیابوردم خوشحالم و باعث افتخارم است. آرزو می‌کنم فوتبالبست‌های ایرانی در لیگ قهرمانان اروپا شرکت کنند و باعث سرفرازی ایران شوند. نمی‌گویم در حد جام جهانی مهم است ولی رقابت‌های مهمی است.

**استرس داشتم ولی خودم را کنترل کردم**
وی افزود: بازی در لیگ قهرمانان اروپا از ابتدا (حضور در ترکیب اصلی) خیلی حس خوبی داشت، باعث غرور من بود. استرس هم داشتم. خدا را شکر توانستم خودم را خوب کنترل کنم و با یک بازی خیلی خوب از تیم پورتو یوونتوس را شکست دادیم. حس خیلی خوبی داشت که قبل غایر وصف است. آدم باید خودش تجربه کند.

مهاجم ایرانی تیم پورتو که با برنامه «فوتبال ۱۲۰» گفتگو می‌کرد، درباره اینکه چطور توانسته انتقادات علیه خودش در سال‌های گذشته را نادیده بگیرد و از اجر انتقادات به شکل سازنده استفاده کند، گفت: خیلی کار سختی است. برادرم پیش از بازی (با یوونتوس) یک ویدئوی انگیزشی برایم فرستاد و سپس آن‌را یک کرد. گفت ویدئوها روی تو جواب نمی‌دهد چون خودت خیلی انگیزه داری. این ویدئوها خیلی برای جذابیت ندارد و از ذهنم پاک می‌شود. سعی می‌کنم این آجرها را بگیرم و از آن خانه بسازم. یک فوتبالبست باید بتواند این آجرها را روی هم بگذارد تا برای خودش یک خانه بسازد.

**علت نیمکت نشینی در ابتدای فصل**

طارمی درباره نیمکت نشینی هایش در پورتو و سپس درخشش در این تیم تصریح کرد: زمانی که به پورتو رسیدم شرایط ویژه ای بود. شرایط برای هماهنگی و سازگاری در یک تیم بزرگ سخت است ولی خیلی زود توانستم با باشگاه و بازیکنان و مربی هماهنگ شوم. زمان می‌برد مربی اعتماد کند. کونسیساتو چند قهرمانی با پورتو به دست آورده بود. سرمربی نمی‌توانست یک بازیکن را خیلی زود وارد تیم و به او اعتماد کند.

## امتیاز روزنامه‌صبح ایران

ماجرای جالب پیراهن رونالدو ؛

# طارمی: بعد از گل به یوونتوس دنیا دور سرم چرخید



من حرف می‌زدند و نمی‌توانستم جوابشان را بدهم! گفتم چه فکر می‌کردم و چه شد. این چه کسی بود که به من گفت زود گل می‌زنی؟!

**روی رونالدو پنتالی رخ نداد**

وی درباره خطای مشکوک روی رونالدو در محوطه جریمه و اینکه آیا آن خطا پنتالی بود؟ گفت: فکر نمی‌کنم. قبل از آنکه رونالدو روی زمین بیافتد بدن این بازیکن عقب بود. تعادلش از قبل به هم خورده بود و فکر نمی‌کنم پنتالی بود.

**ماجرای گرفتن پیراهن رونالدو و اقدام جالب «په به په»**

طارمی درباره اینکه آیا رونالدو پیراهنش را بعد از بازی با بازیکنان پورتو عوض کرد؟ با خنده گفت: ۲۰-۳۰ بازیکن ما به «په به په» (کاپیتان و مدافع تیم پورتو و دوست صمیمی رونالدو) گفته بودند که از رونالدو لباسش را بگیریم. بعد از بازی په به په با یک کیسه آمده بود و به بازیکنانی که درخواست کرده بودند، لباس‌ها را تحویل می‌داد! لباس‌ها فقط برای رونالدو بود. در نهایت فقط یک پیراهن را امضا باقی ماند. په به په من گفت این لباس را بگیر. په به بسیار آدم خوبی است. گفتم نه من لباس بازی برگشت رونالدو را در تورین از

مهاجم ایرانی تیم پورتو درباره رقابت با اسپورتینگ و فصلی که این تیم تجربه کرد، گفت: هیچ چیز در فوتبال نیست که من را به دست بیابورم، اگر می‌نخستم و آه و ناله می‌کردم به جایی نمی‌رسیدم. مجبور بودم تلاش کنم و فرصتی به دست بیابورم تا جایگاهم را بگیرم. از وقتی جایم را به دست آوردم جوری تمرین کردم که جایم را به کسی ندادم. امیدوارم این روند خوب ادامه داشته باشد و بتوانم با گل‌ها و پنتالی‌های لایخندی به لب مردم ایران بیابورم. این خیلی برایم ارزش دارد و از این حس خوب انرژی بگیرم.

**محو رونالدو شده بودم**

مهاجم ایرانی تیم پورتو درباره رقابتش با کریستیانو رونالدو ستاره یوونتوس گفت: وقتی با بازیکنان بزرگ روبرو می‌شوم سعی نمی‌کنم خیلی به آنها نگاه کنم و با محو این بازیکنان شوم. دوست دارم خودم به جایی برسم که یکسری بازیکنان مرا ببینند. نه اینکه از خودراضی باشم. دوست دارم خودم به آن جایگاه برسم و برای همین توجهی به اسامی ندارم. نفراتی مثل رونالدو جزو بازیکنان بزرگ دنیا هستند و کنار آنها ایستادن افتخار است ولی تا خودم به آن جایگاه نرسم محو نمی‌شوم.

**ماجرای الهام شدن گلزنی مقابل یوونتوس**
طارمی افزود: ظهر بازی نمی‌خواستم بخوابم. شب قبل از بازی خوابیده بودم. ظهر بازی یک باره برای ۳۰ تا ۴۵ دقیقه خوابم برد. تصویری ندیدم ولی این فکر به من خطور کرد که «چه می‌شود اگر زود گل بزنم». یک جور حسی بود که در خواب می‌خندیدم. وقتی بازیکنان درباره بازی فکر می‌کنند تا دقیقه ۵ سه گل می‌زنند. من زیاد تصویرسازی نمی‌کنم ولی وقتی از خواب بلند شدم حس خوبی بود.

**بعد از گلزنی به یوونتوس دنیا دور سرم می‌چرخید!**
مهاجم ایرانی پورتو خاطرنشان کرد: وقتی مقابل یوونتوس گل زدم انکار دنیا داشت دور سرم می‌چرخید. گفتم این فکر را کردم و گل زدم؛ ولی پیش خودم گفتم چرا اینکه زود خدا را شکر کردم. هیچ چیزی نمی‌توانستم بگویم. بازیکنان با من نفراتی چون بیزانت لیزارازو و از همه مهم‌تر روبرتو کارلوس حضور داشتند و کمی بعد اشلی کول و لیتون بینس که همگی در حمله واقعا خوب بودند به صحنه آمدم. در آن زمان تعداد مدافعان چپ خوب زیاد نبود، اکنون اما یک نسل کامل از مدافعان چپ در زمین دیده می‌شوند. این موقعیت به مربیان برمی‌گردد که به مدافعان جوان آموزش می‌دهند و آن‌ها را تشویق می‌کنند که بازی روبه جلو در زمین به نمایش بگذارند.»

نقش مهمی که مدافعان کناری و به خصوص دفاع چپ‌ها در بخش هجومی دارند، در آمارها مشهود و کاملاً مشخص است. در پایان بازی‌های ماه ژانویه لیگ برتر انگلیس، سه نفر از هشت پاسور نخست لیگ برتر مدافعان چپ بودند؛ از جمله رابرتسون، کرسول و دینیته که روی هم امضای خود را پای پنج گل به ثبت رساندند. آمار ی بیشتر و بهتر از «روبرتو فیرمینو» و «جیم استرلینگ» در همین مدت رابرتسون با خلق ۲۸ موقعیت گل، در رده ششم این بخش قرار گرفت و با ۱۰۳ سانتیر ۱۵۷۵ پاس، در صدر این دو قسمت ایستاده است. تمام این اتفاقات در فصلی رخ داده که فرم مدافع چپ ۲۶ ساله لیورپول، در بهترین و آیدآل‌آل ترین حالت خود نبوده.

این روزها مدافعان چپ در لیگ برتر انگلیس، پادشاهی می‌کنند و شکی نیست که آنها همان‌قدر که از نظر دفاعی خوب هستند، در حملات هم عملکرد خیره‌کننده‌ای از خود به نمایش گذاشت‌اند. در همین رابطه اگر یک بار دیگر به نکته‌ای که لوسو به آن اشاره کرده نگاه بیندازیم؛ یک سوال جدید مواجه می‌شویم؛ مهارت مدافعان کناری در کارهای هجومی به خاطر آن است که فوتبال مدرن این را می‌خواهد یا فوتبال مدرن تحت تأثیر این قرار گرفته و به این شکل درآمده؟ به بیانی ساده‌تر؛ اول مرغ بود یا تخم مرغ؟

لوسو می‌گوید: «از منظر تاکتیکی، جدال تیم‌ها در بعضی دقایق گره می‌خورد و در چنین مواقعی مدافعان کناری می‌توانند عرض اندام کرده و با پیشروی خود حتی از یک وینگر هم بیشتر دست به خودنمایی و البته هنرنمایی بزنند. من دانش فهمیدن علت این را ندارم اما احساس می‌کنم در رده‌های سنی پایین‌تر به کودکانی که در تیم‌شان به عنوان مدافع کناری توب می‌زنند، گفته می‌شود که شجاعانه جلو بروند. در این مواقع هافبک‌های دفاعی جای آنها را پوشش می‌دهند و این واکنشی است به شرایط مسابقه. مدافعان کناری باید در زمین راحت و از نظر تاکتیکی زیرک باشند تا بداندن چه زمانی جلو بکشند و کی جای خود در خط دفاعی را حفظ کنند. آنها با توجه به مسافتی که در طول ۹۰ دقیقه در زمین می‌دوند، باید از نظر فیزیکی هم به‌سطح بالایی بهره ببرند. این دقیقاً همان چیزی‌ست که عملکرد رابرتسون را تأثیر گذار می‌کند. فرقی ندارد او چقدر در زمین تلاش کرده باشد؛ همیشه چهره او به گونه‌ای‌ست که گویی همانند دقایق نخست مسابقه سرشار از انرژی است! او یک ورزشکار فوق‌العاده به حساب می‌آید.»

**تشدید مصدومیت بیرانوند**

دروازه‌بان ایرانی به بازی برگشت لیگ اروپا می‌رسد؟
اصلی آنتورپ قرار گرفت و در دقیقه ۷۷ به دلیل مصدومیت از ترکیب این تیم ک‌رد رفت. سایت بلژیکی nieuwslad در گزارش خود نوشت که بیرانوند بدتر شده هم شده است و احتمال دارد که او در دیدار برگشت مقابل تیم اسکاتلندی در لیگ اروپا حضور نداشته باشد.

## اخبار

**ماشین بایرن دچار روغن‌سوزی شده؟**
ترجمه: نوید صراف

«هر کسی در این جهان به دلیلی در نهایت مدال می‌گیرد» این جمله مشهور «پوپا وونفری» مجری توانمند و مشهور آمریکایی است که می‌توان آن را با دیدی خارج از گود، به مراسم اختتامیه جام باشگاه‌های جهان بسط داد؛ جایی که هر بازیکن سرخ‌پوش به دلیلی که چرایی آن بر همگان شیدا و هویدا نیست، مدالی طلایی رنگ به گردن آویخت و به خانه بازگشت.

برنده اصلی و قابل پیش‌بینی مراسم اهدای جام بدون هیچ شکی اما «روبرت لواندوفسکی» بود که جایزه اسپانسر مسابقات و همچنین توپ طلای این دوره از رقابت‌ها را به دست آورد. مهاجم بایرن مونیخ به خاطر دو گلی که مقابل الاهلی مصر به ثمر رساند و البته نتایجی که روی گل پیروزی‌بخش «بنجامین باوارد» مقابل تیمگز در بازی فینال داشت، به این عنوان رسید. با این حال آیا او واقعاً در طول هفته، بهترین بازیکن بایرن مونیخ در قطر بود؟ پاسخ واضح است، هم بله و هم خیر!

گنج شدیدی؟ پس بگذارید توضیح دهم! «خبر» به این دلیل که هم‌تیمی او «جاشوا کیمیش» - که پس از «پیر آندره ژینیاک» از تیمگز به توپ برنز مسابقات رسید - بازیکنی کم‌نوسان‌تر با احتمالاً مهم‌تری در دو بازی بایرن‌ایار رسیدن به ششمین قهرمانی فصل نشان داد؛ تحرک، سرعت و تعهد او در بازی تیش به وضوح مشخص بود و در کل به خصوص در بازی فینال نسبت به لوله، موثرتر ظاهر شد. در نهایت اما نباید از ذکر این نکته مهم چشم‌پوشی کرد که مهاجم لهستانی به طرز فاحشی بهترین بازیکن حاضر در جام باشگاه‌های جهان به حساب می‌آمد و اگر او حتی میزان کمی از درخشش همیشگی خود را به نمایش بگذارد، هیچ‌کس حتی کیمیش هم نمی‌تواند به کیفیت جهانی لواندوفسکی نزدیک شود. بنابراین «له» او قطعاً باید برنده این جایزه میشد.

همین شرایط در خصوص توپ بایرن مونیخ هم صادق است؛ باورایی‌ها در ورزشگاه «Education City» نتوانستند دقیقاً آن فوتبال روان و چشم‌نواز خود را به تصویر بکشند اما با تمام این اوصاف همچنان بهترین تیم تورنمنت بودند. قبل از به صدا درآمدن سوت شروع مسابقات، هم پیشبینی میشد که سرخ‌های برسد مونیخ به رکورد درخشان بارسلونا در سال ۲۰۰۹ پس از یک شش‌گانه تاریخی را به نام خود ثبت کنند. آنها

در سفر به دوحه، ترجیح دادند تا قدرت خود در جام باشگاه‌های جهان را حفظ کنند؛ با تاکتیکی هوشمندانه و قابل تقدیر، نه با یک حمله قهرمانانه بلکه به شکلی کاملاً تمرین شده. همین امر باعث شد سرخ‌پوشان در بازگشت به خانه، به همان اندازه که مورد تحسین قرار گرفتند، آماج تاج انتقادات را نیز به جان بخرند. بایرن در جدال با «تیمگز» فقط آن چه وظیفه‌اش احساس می‌کرد را در زمین به اجرا گذاشت و در نهایت با صری‌های مدافعش، یک بر صفر برنده شد تا با کم‌ترین هیاهو و بدون برگزاری جشنی قابل توجه، سوار هواپیما شود و به آلمان بازگردد. «تاریخ یک بار دیگر نوشته شد»، «لحظه‌ای خاص در فوتبال رقم خورد»، «صفحه‌ای از یک موفقیت غلیم دیگر در کتاب قطور افتخارات بایرن قرار گرفت»، همه اینها درست است ولی مسابقات همچنان اداسه دارند و شاگردان «هانس دیتر فلیک» باید در ادامه روزهای برقی آلمان به مصاف رقبای خود بروند؛ تشنه پیروزی بمانند و نشان دهند که برای کسب نهمین قهرمانی پیاپی در بوندسلیگا دندان تیز کرده‌اند. این در حالی‌ست که باورایی‌ها همانند بسیاری از قدرت‌های اروپا در حد و اندازه‌های فصل گذشته خود ظاهر نشده‌اند. آنها به خوبی می‌دانند که به همان دلیلی که در قطر قهرمان شدند، می‌توانند بوندسلیگا را هم به لطف قدرت نسبی و نه لزوماً مطلق خود، فتح کنند.

فلیک از زمان تکیه زدن به نیمکت مربیگری بایرن در نوامبر ۲۰۱۹، در تمامی مسابقات تنها چهار بار طمع تلخ شکست را چشیده اما عملکرد رنوسان در زمستان باعث نگرانی مدیران باشگاه شده است و واقعاً آنها نگران این هستند که افت بایرن در دور حذفی لیگ قهرمانان اروپا - جایی که قدرت رقیبان بیشتر است - باعث در‌درسر سرخ‌پوشان شود. از سوی دیگر برخی شرایط خارجی نیز در حال حاضر چندان باب میل به نظر نمی‌رسند؛ تیمی که مجبور شده با توجه به شرایط کرونایی، مدت زمان بیشتری را خارج از خانه بگذراند، مدام تحت فشار مراقبت‌های پزشکی باشد و حتی برای حضور در یک تورنمنت کوچک هم بیشتر از گذشته انرژی و زمان صرف کند. دیگر حتی خوشبین‌ترین هواداران بایرن نیز می‌انند که ماشین مونیخی در این فصل ممکنه فصل پیش بی‌نقص عمل نمی‌کند. مشکل اینجاست که زمانی که برای ترمیم وجود ندارد و نفرات خاتمش نیز در حد و اندازه‌های بازیکنی همچون «فیلیپ کوتینیو» نیستند. سرمربی تیم، هرچقدر هم عجیب به نظر برسد، اما در عملکرد بازیکنانش آطور که باید و نباید رضایت ندارد!

عجیب‌تر اینکه حتی برخی از مدیران باشگاه نیز نسبت به او با وجود تمام افتخارات، خوشبین نیستند! در واقع آنها معتقدند که هانسی فردی شخص‌محور و لجباز است که نتوانی دیدن تصویر بزرگ‌تری را نداند! این خصوصیات وقتی مشکل‌را می‌شود که سرمربی نشان داده به برخی از ستاره‌هایی که باشگاه برای آنها هزینه کرده، چندان اعتقاد ندارد و یا از آنها در بست‌های غیرتخصصی استفاده می‌کند. فلیک حتی معتقد است بعضی از نقل‌وانتقالات انجام شده توسط مدیر ورزشی تیم یعنی «حسن صالح حمیدزیچ»، در حد و اندازه‌های نام «بایرن مونیخ» نیستند! در ماه‌های اخیر روابط بین رییس هیات مدیره، «کارل هاینس رومنیگه» و عضو هیات مدیره باشگاه یعنی «اولی هوینس» چندان گرم نبوده اما کسانی که گذشته اوضاع بایرن را پیگیری می‌کنند خوب می‌دانند که این اختلافات و نزاع‌های پشت پرده، همیشه در باشگاه وجود داشته و درست خواهد شد آنچه در این بین مهم به نظر می‌رسد، اتفاق نظر آنها در خصوص لزوم تصمیم‌گیر درباره کار فنی است! به سبب سرمربی بایرن مجبور به نتیجه گرفتن است اما رضایت هواداران از این نتیجه‌گیری نیز بسیار اهمیت دارد. شاید به همین دلیل بود که فلیک در جام باشگاه‌های جهان، تا حدود زیادی از بازیکنان مدنظر مدیران باشگاه بهره برد و جالب اینکه به چیزی که می‌خواست رسید؛ اولاً موفق به ثبت شش‌گانه شد و دوماً با استفاده از چند بازیکن خاص، شاخه زیتون و صلح به سمت مدیران باشگاه درآز کرد. او در بازی روز دوشنبه با الاهلی، از ابتدا به روکا بازی داد و دو خرید جدید یعنی «اریک ماکسیم چوپو مویسیا» و «گاسلا کلتا» که «همراه با «جمال موسیال» ۱۷ ساله در پانزده دقیقه پایانی مقابل «تیمگز» به جای نفرات ثابت خود یعنی «کینگزلی کومان»، «روبرت لواندوفسکی» و «لروی ساله» به زمین فرستاد. حرکت جسورانه‌ای که جواب هم داد.